ادامه از صفحه اول

سردرگمی استراتژیک

اکنون هدف اصلی سیاست خارجی ترامپ در عرصه منطقه‌ای بر محور برقراری صلح و ثبات از طریق تقویت روابط اقتصادی، سیاسی-امنیتی با متحدین سنتی آمریکا و از این طریق مدیریت نقش فزاینده ایران اعلام شده است.

بر این مبنا او اولین سفر خارجی خود را به عربستان سعودی انجام داد و با فروش میلیاردها دلار تسلیحات و دریافت اعتبارات مالی به‌اصطلاح به بازتعریف روابط آمریکا-سعودی پرداخت که از نظر خودش در زمان ریاست‌جمهوری باراک اوباما تضعیف شد. همچنین او در اقدامی غیرمنتظره و با وجود همه مخالفت‌های بین‌المللی و داخلی، اعلام کرد که پایتخت آمریکا به بیت‌المقدس منتقل می‌شود. این اقدام خود نوعی سردرگمی نسبت به اهداف استراتژیک آمریکا در ایجاد صلح بین فلسطین و اسرائیل ایجاد کرده است.

رویکرد ترامپ در مبارزه با داعش و افراط‌گرایی در منطقه هم دستاورد استراتژیک ملموسی برای آمریکا نداشته و خود بر تضاد موجود استراتژیک بین آمریکا و دیگران افزوده است. این سیاست که بیشتر تداوم عملکرد اوباما در درگیری‌ندانستن گسترده در میدان نبرد سوریه و تکیه بر گروه‌های کردی به‌عنوان متحد اصلی آمریکا در نبرد با داعش است، منجر به رویگردانی ترکیه از آمریکا و نزدیکی این کشور به ایران و روسیه شده که فاتحان صحنه میدان نبرد در سوریه و عراق با تروریست‌ها هستند و اکنون ایتکار عمل را برای ورود به فاز سیاسی حل بحران سوریه از طریق مذاکرات آستانه برعهده گرفته‌اند. هرچند سیاست جنگ با داعش آمریکا برگرفته از محاسبات دقیق و ناتوانی این کشور در بسیج منابع و امکانات سیاسی-امنیتی آن در جنگ با داعش در میدان نبرد است، اما بر سردرگمی جاری استراتژیک بازیگران اصلی در معادلات منطقه‌ای افزوده است؛ چون بر رقابت‌های مستقل ژئوپلیتیک آنها در مبارزه با تروریسم و به تبع آن تضعیف اقدامات مشترک جمعی می‌افزاید. ناتوانی آمریکا در مدیریت‌کردن بحران رفراندوم استقلال کردستان عراق، در شرایط درجریان‌بودن جنگ با داعش، هم یک مثال دیگر از ناتوانی استراتژیک آمریکا در مدیریت موضوعات حساس منطقه است.

بر این سردرگمی استراتژیک وقتی اضافه می‌شود که دراییم بسیاری از تحلیلگران غربی معتقدند اعمال ترامپ در صحنه سیاست خارجی بیشتر برای مصرف در سیاست داخلی و پیشبرد اهداف کاخ سفید است. زیرا این پیروزی به دوستان و متحدان تهران اطمینان می‌دهد که کنترل بخش‌های شمالی جهان عرب از مرز ایران تا دریای مدیترانه در دست ایرانی‌هاست. این نشست که فیلم‌هایش به شکل‌های مختلف، از سوی رسانه‌های نزدیک به حزب‌الله لبنان منتشر شد، لحظه تعیین‌کننده‌ای در سال ۲۰۱۷ میلادی بود؛ واقعه‌ای که نشان‌دهنده تجدید حیات ایران و شکست سیاست خارجی ایالات‌متحده در خاورمیانه بود. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا که حتی پیش از ورود به کاخ سفید زمینه مقابله با نفوذ ایران و قدرت‌گرفتن تهران در خاورمیانه را داشت، سهوا باعث قدرت‌گرفتن ایرانی‌ها شده است.

دونالد ترامپ وعده داده بود که شکست داعش اولویت او در منطقه خواهد بود و رسیدن به این هدف برای آمریکایی‌ها بسیار حیاتی است. اما در روای این اولویت، سیاست‌های آمریکا در خاورمیانه مظهرهای از تصمیم‌های خلق‌الساعه و متناقض است که توانسته حیرت همکاران را برانگیزد؛ سیاست‌های عجیبی که باعث شده تا متحدان ایالات‌متحده از آن فاصله بگیرند و دشمنانش نیز دست بالا را بگیرند.

بحران بیت‌المقدس

در ماه دسامبر شاهد تازه‌ترین سیاست‌های خلق‌الساعه کاخ سفید بودیم؛ وقتی که دونالد ترامپ بیت‌المقدس (اورشلیم) را به‌عنوان پایتخت اسرائیل به‌رسمیت شناخت و آشکارا توصیه متحدان عرب خود، از جمله عربستان‌سعودی و اردن، مبنی‌بر خودداری از چنین اقدامی را رد کرد.

اعتراض‌ها و تظاهرات علیه تصمیم ترامپ در اقصی‌نقاط جهان، به‌ویژه جهان عرب، شاید بعد از مدتی فروکش کند اما تأثیر جدی اقدامی بر آرایش سیاسی منطقه‌ای نخواهد شود، به‌ویژه اینکه مخالفان آمریکا در منطقه می‌توانند برای بهره‌برداری از چنین تصمیم شتابزده‌ای فرصت‌های خوبی روی آن داشته باشند. فقط یک هفته پس از اعلام به‌رسمیت‌شناختن بیت‌المقدس به‌عنوان پایتخت اسرائیل، رهبران کشورهای اسلامی در نشست اضطراری خود در استانبول اعلام کردند که تصمیم پوچ ترامپ نشان داد که ایالات‌متحده نمی‌تواند در روند صلح خاورمیانه نقش یک میانجی صادق را داشته باشد.

محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین، هم گفت: «آمریکا تصمیم گرفته تا از نفوذ خود برای تأمین منافع اسرائیلی‌ها استفاده کند. بنابراین دیگر صلاحیت میانجیگری در مذاکرات صلح را ندارد و ما نباید تلاش برای مذاکرات دور از میانجیگری بپذیریم. آمریکایی‌ها باید کردند که فقط به‌دنبال تأمین منافع طرف اسرائیلی هستند.»

این همان مصیبت عباسی است که اواخر ماه می در کاخ سفید در کنار دونالد ترامپ ایستاد و گفت که فلسطینی‌ها با وجود ترامپ به صلح امیدوارتر شده‌اند! اما این فقط نمایی بود که نقش بالات در مذاکرات اسرائیل و فلسطین را رد کرد؛ گروه بزرگی از بازیگران مهم منطقه‌ای از رجب‌طیب اردوغان، رئیس‌جمهوری ترکیه گرفته تا حسن روحانی، رئیس‌جمهوری ایران؛ ملک‌عبدالله، پادشاه اردن و تمیم بن آل‌ثانی، امیر قطر نیز با عباس هم‌صدا شدند.

در پس سیاست‌های غیرمتعارف آمریکا جوانی جوان ۳۶ ساله است؛ جرد کوشنر، داماد ترامپ که مسئولیت تدوین و اجرای سیاست‌های ایالات متحده در خاورمیانه را برعهده دارد؛ کسی که نمی‌تواند در مناقشه خاورمیانه بی‌طرف باشد، زیرا مدیریت صندوق تأمین بودجه شهرک‌سازی در سرزمین‌های اشغالی را برعهده داشته و فقط در یک مورد، هزینه ساخت صد واحد مسکونی در این شهرک‌ها را پرداخت کرده است؛ ساخت‌وسازهایی که براساس قوانین بین‌المللی غیرقانونی است.

کوشمالی به‌عنوان خطرناک‌ترین مشکل امنیت ملی بین‌المللی سال ۲۰۱۷ سر برآورد. پیشرفت سلاح‌های هسته‌ای و موشک‌های بالستیک دوربرد پیونگ‌یانگ با سرپیچی از سازمان ملل متحد و همصدایی‌اش پدیده جدیدی نیست. آنچه در سال ۲۰۱۷ تغییر کرد همان ۹ دو هفته پیش نیکی هیلی، نماینده ایالات متحده در سازمان ملل متحد، با نمایش باقی‌مانده‌های موشک بالستیکی که به کفته او از یمن به عربستان‌سعودی شلیک شده، مدعی شد این موشک ایرانی است

دولت ترامپ میراث سیاست‌های اوباما در خاورمیانه را به ارث برده است. او با رویکردی تهاجمی توافق بین‌المللی هسته‌ای با ایران را تهدید می‌کند و رویکردهای بلندمدت آمریکا در سیاست خارجی از جمله طرح صلح دودولتی را نادیده می‌گیرد. دولت ترامپ حالا از آمادگی خود برای رویکرد تهاجمی‌تر در برابر ایران صحبت می‌کند. همین دو هفته پیش نیکی هیلی، نماینده ایالات متحده در سازمان ملل متحد، با نمایش باقی‌مانده‌های موشک بالستیکی که به کفته او از یمن به عربستان‌سعودی شلیک شده، مدعی شد این موشک ایرانی است

درعین‌حال، بسیاری از پرسش‌های کلیدی دیپلماتیک ایالات‌متحده در خاورمیانه خالی هستند. درحال‌حاضر، هشت سفارت ایالات متحده در منطقه، از جمله مصر، ترکیه، اردن و عربستان‌سعودی سفیر ندارند. این در شرایطی است که وزارت خارجه آمریکا تحت رهبری متزلزل رکس تیلرسون بسیار تضعیف شده و حال و روز خوشی ندارد. دولت ترامپ نه‌تنها علاقه‌ای به پرکردن این پست‌های خالی ندارد که توصیه‌های دیپلمات‌های باتجربه و کاربلد را هم نادیده می‌گیرد. تصمیم ترامپ درباره بیت‌المقدس کاملا مؤید این حقیقت است که دولت او برای توصیه‌های دیپلماتیک هیچ ارزشی قائل نیست. می‌شود گفت که امروز در واشنگتن و همه بخش‌های دولت آمریکا این بی‌تجربه‌ها هستند که فرمان اداره امور را در دست دارند، پس باید کمربندها را محکم بست.

مردان ترامپ در خاورمیانه

نزدیک‌ترین متحد عرب ترامپ در این دوره برادرشوب، یک جوان ۳۲ ساله از خاندان سعودی است؛ محمد بن‌سلمان که به‌دنبال اصلاحات شتابزده در داخل شرایط چندان بانباتی هم ندارد. باور عمومی این است که این شاهزاده جاه‌طلب مسئول جنگ فاجعه‌بار عربستان‌سعودی در یمن، تحریم‌های بی‌اثر قطر، استعفای عجیب و غریب سعد حریری هم بازداشت صبح‌الصری نخست‌وزیر لبنان و این آخری هم بازداشت صبح‌الصری بانکدار میلیاردر و قدرتمند اردنی - فلسطینی است که از حامیان مالی مهم دولت اردن بوده و سرمایه‌گذاری‌های زیادی در سرزمین‌های فلسطینی داشته است. تمام این اقدامات محمد بن‌سلمان نه‌تنها موفقیتی در پی نداشته و بازیگران مهم منطقه‌ای را به جبهه مخالف سعودی‌ها سوق نداده بلکه باعث ایجاد احساسات ضدسعودی در سراسر منطقه شده است.

این در حالی است که آمریکا با فشار عربستان‌سعودی و اسرائیل به دنبال متحدانی در منطقه برای مقابله با قدرت روزافزون ایران است، آن هم در شرایطی که سال‌ها تحریم و انزوای دیپلماتیک از نفوذ رو به رشد منطقه‌ای ایران نکاسته است و قطعا کشورهایی که خود در اثر کار نخواهند داشت.

تقویت موقعیت روسیه در خاورمیانه

در این حال، تقویت موقعیت و نفوذ ایران، با حضور مقتدرانه روسیه در خاورمیانه همراه شده است. ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهوری روسیه، سپتامبر ۲۰۱۵ میلادی با حملات هوایی و زمینی علیه مخالفان دولت سوریه در کنار ایران و عراق و حزب‌الله به کمک بشار اسد آمد. پوتین در دسامبر ۲۰۱۷ در دیدار اعلام‌نشده از پایگاه هوایی روسیه در حمیمیم شرق سوریه اعلام کرد که با پایان جنگ بخشی از نیروهای روسی به‌زودی از سوریه خارج خواهند شد.

در همین حال روسیه بهبود و ترمیم روابطش با ترکیه به‌عنوان یکی از اعضای ناتو را ادامه داده است. مسکو و آنکارا مهم‌ترین حامیان گفت‌وگوهای صلح سوریه در آستانه قزاقستان بوده‌اند، جایی که آمریکا یک فوتبال سامانه موشکی S400 روسیه به ترکیه را امضا کردند. حتی اینجا هم حضور قدرتمند روسیه به‌دلیل ضعف دیپلماتیک آمریکا بوده است. حمایت آمریکا از نیروهای کرد در مبارزه با داعش روابط واشنگتن - آنکارا را به شدت متشنج کرده است. ترکیه مدعی است کردهای سوریه بخشی از نیروهای پ‌ک‌ک هستند که از سال ۱۹۸۴ میلادی جنگ‌های جدایی‌طلبانه را علیه ترکیه به راه انداخته‌اند.

درغلبندن از بحران به بحران دیگر

اگر بخواهیم منصفانه قضاوت کنیم، سردرگمی در سیاست خاورمیانه آمریکا، بدیده جدیدی نیست. باراک اوباما رئیس‌جمهوری پیشین ایالات متحده هم با ترسیم یک خط قرمز فرضی برای دولت سوریه گفته بود درصورتی‌که دمشق در برخورد با مخالفانش از تسلیحات شیمیایی استفاده کند، دست به اقدام جدی خواهد زد. اما زمانی که در اکتوبر ۲۰۱۳ میلادی گزارشی‌هایی مبنی بر استفاده از تسلیحات شیمیایی در مناطق تحت کنترل مخالفان سوریه منتشر شد، خط قرمزهای تعریف‌شده هم به وادی فراموشی سپرده شدند و ایالات متحده هیچ‌گاه نتوانست در برابر این مسئله واکنشی جدی داشته باشد. دولت اوباما گرچه با ارسال تسلیحات برای مخالفان بشار اسد تلاش کرد کارنامه خود را قابل‌قبول نشان دهد اما بسیاری از مخالفان دولت اوباما بسر این باور بودند که اقدامات او در سوریه هرگز کافی نبوده و همین مسئله باعث شد روسیه دست بالا را بگیرد. دولت ترامپ میراث سیاست‌های اوباما در خاورمیانه را به ارث برده است. او با رویکردی تهاجمی توافق بین‌المللی هسته‌ای با ایران را تهدید می‌کند و رویکردهای بلندمدت آمریکا در سیاست خارجی از جمله طرح صلح دودولتی را نادیده می‌گیرد. دولت ترامپ حالا از آمادگی خود برای رویکرد تهاجمی‌تر در برابر ایران صحبت می‌کند. همین دو هفته پیش نیکی هیلی، نماینده ایالات متحده در سازمان ملل متحد، با نمایش باقی‌مانده‌های موشک بالستیکی که به کفته او از یمن به عربستان‌سعودی شلیک شده، مدعی شد این موشک ایرانی است. به اعتقاد بسیاری این نمایش هیلی یادآور گزارش ۲۰۰۳ کالین پاول وزیر وقت خارجه ایالات متحده، در سازمان ملل بود که هرگز او را به داشتن تسلیحات کشتارجمعی متهم کرد. به نظر می‌رسد نیکی هیلی به این دلیل ایجاد اتفاقی جدید بود: این بار علیه ایران، نمایشی که البته کارساز هم نبود و نتیجه‌ای نداشت. در شرایطی که آمریکا و عربستان‌سعودی در کلاف بحران‌های خودساخته گرفتار آمده‌اند، متحدان سنتی اروپایی راه خود را از واشنگتن جدا می‌کنند و برخلاف عربستان غربی هنوز بر هم زمانی دیگری جدا از هم افتاده‌اند. روسیه رویکرد متفاوتی خود را با ایران و ترکیه محکم‌تر می‌کند. واشنگتن تحلیل‌رفته و پریشان از سیاست‌های سمج داخلی، با سر به سوی خودساختگی می‌کوبد که در بهترین حالت هیچ نمری برایش نخواهد داشت و در بدترین حالت به یک فاجعه تمام‌عیار منجر شود. اگر فکر می‌کنید ۲۰۱۷ سال پرماجرا بود، منتظر خاورمیانه بود پس کمربندهای خود را برای ۲۰۱۸ محکم‌تر ببندید.

منبع: سی‌ان‌ان

مروری بر سال ۲۰۱۷ میلادی

سال رؤسای سرسخت و شاخ‌وشانه‌کشی‌های ابلهانه

ترجمه و تلخیص: سودابه رخش

امسال سال مردان انعطاف‌ناپذیر بود. افرادی سرسخت و سنگدل با منیت و غرور. در مسکو، ولادیمیر پوتین کنترل سخت‌گیرانه خود را در سیاست داخلی تقویت کرد و درعین‌حال جنگ سایبری- دیجیتال روسیه را با غرب شدت بخشید. در پکن، شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهوری چین، با تثبیت افکار غیراصیلش در کنگره حزب کمونیست، به قسمی از جوادنگی رسید. در واشنگتن، دونالد ترامپ به‌طرز شارلاتان‌گونه‌ای نقش رئیس‌جمهوری ایالات‌متحده را بازی کرد و ترکیب قدرت و جهل را به مرز هشدار رساند.

جماعت ابوهمی جذب گروهی از بدل‌ها و مقلدان شدند- «بزرگ‌مردان کوچکی» چون کیم‌جونگ‌اون. دیکتاتور خاوردست کره‌شمالی مسلح به سلاح هسته‌ای و رودریگ دوترته، رئیس‌جمهوری آدمکش فیلیپین. رجب‌طیب اردوغان، رئیس‌جمهوری آتشی‌مزاج ترکیه، با دستاوزقراردادن کودتای ناکام سال ۲۰۱۶، به شدت کوشید سنت دموکراتیک کشورش را نابود کند. محمد بن سلمان جوان، امیر بی‌تاج‌وتخت و اصلاح‌طلب صوری عربستان‌سعودی، مجموعه‌ای از بازی‌های قدرت منطقه‌ای ناشیانه را در پیش گرفت.

پیامد ظهور این مردان انعطاف‌ناپذیر، احساس ضعفی ویرانگر میان دموکراسی‌های غربی و سقوط نظم حقوقی و راهبردی و بین‌المللی پس از جنگ بود. قدرت بیش از پیش تبدیل شد به‌زیر گسترش اقتدارگرایی به‌طورکلی، و واپس‌گرایی‌های ملی‌گرایانه، بیوپولیستی و تفرقه‌انگیز در اروپا معضلی را برجسته کرد. مصائب غرب ترکیب شده با تردید نسبت به چگونگی مهار ترامپ و هدایت یک دوره آشفته جدید و تضعیف رهبری جهانی آمریکا.

تهدید هسته‌ای

کره‌شمالی به‌عنوان خطرناک‌ترین مشکل امنیت ملی بین‌المللی سال ۲۰۱۷ سر برآورد. پیشرفت سلاح‌های هسته‌ای و موشک‌های بالستیک دوربرد پیونگ‌یانگ با سرپیچی از سازمان ملل متحد و همصدایی‌اش پدیده جدیدی نیست. آنچه در سال ۲۰۱۷ تغییر کرد همان ۹ دو هفته پیش نیکی هیلی، احمق، و بی‌تجربه بود؛ چون جوک اون و دونالد ترامپ.

کیم کره از تهدیدهای کارزار ترامپ برای سرنگونی رژیم خود وحشت‌زده‌تر شد. ترامپ همچنین با خروج از پیمان تجاری ترانس پاسیفیک به چین فرصت دیگری داد تا دامنه قدرتش را گسترش دهد. جای تعجب نیست که چینی‌ها او را دوست دارند. شی تنها رهبری نبود که از سادگی، علاقه به اقتدارگرایی و منیمنم ترامپ که به‌راحتی قابل بهره‌برداری است، به نفع خود استفاده کرد. پوتین هم ظاهرا به ترامپ این‌طور قبولاند که روسیه شریک قابل‌اعتمادی برای حل مشکلاتی مثل بحران سوریه است. پوتین برای لغو تحریم‌هایی که بعد از الحاق کریمه به روسیه در سال ۲۰۱۴ اعمال شد، تلاش کرد. همدلی ترامپ هم موجب نگرانی اروپا شد اما در نهایت او متقاعد شد که فعلا کاری نکند.

انتخابات کشورهای اروپایی

اروپا از یک سال آشفتگی سیاسی غیرمعمول جان سالم به در نبرد اما همچنان تا حل مشکلاتش راه زیادی در پیش دارد. سال با افزایش موج پوپولیسم آغاز شد که ناشی از هراس از مهاجرت، رنج‌های اقتصادی، از دست دادن هویت و بیگانه‌هراسی معمول سابق بود. ولی برخلاف انتظارات میانه‌روها فقط در انتخابات هلند، فرانسه و آلمان موفق شدند.

انتخاب امانوئل مکرون به‌عنوان رئیس‌جمهوری فرانسه با پیشرفت درخوتوجه ماریس لوپن، رهبر جبهه ملی، همراه شد و او با ۳۴ درصد آرا در جایگاه دوم قرار گرفت. اگر مکرون به وعده‌هایش عمل نکند - و میزان مقبولیتش کاهش یابد - لوپن می‌تواند به‌راحتی در انتخابات بعدی جایگزین او شود. در آلمان هم حزب دموکرات‌های مسیحی آنگلا مرکل در ماه سپتامبر بار دیگر به‌عنوان بزرگ‌ترین حزب ظاهر شد. اما بخشی از حامیان آنها از حزب راست افراطی آلترناتیو برای آلمان حمایت کردند و همزمان حزب چپ میانه سوسیال‌دموکرات هم به سختی شکست خورد. در چنین شرایطی مرکل همچنان دوکرت تشکیل دولت جدید ائتلافی است. بحران سیاسی بی‌سابقه آلمان پس از جنگ به طرح‌هایی افزوده شد که اروپا را تحت‌تأثیر قرار داده بود. فکر و ذکر بریتانیا مذاکره درباره برگزیت بود، که روند آن از ماه مارس سه سال و نیم به جریان افتاد و زمان خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا هم سال ۲۰۱۹ اعلام شد. این اوضاع ناامن تشدید شد و دولت محافظه‌کار تراز می در انتخابات زودهنگام ماه ژوئن که به درخواست خودش برگزار شد، اکثریت پارلمان را از دست داد. در ایتالیا اتحادی دست‌راستی تحت نظارت سیلویو برلوسکونی، نخست‌وزیر بدنام سابق، به دنبال بازگشت به قدرت در سال ۲۰۱۸ است. در اسپانیا، دولت ماریانو راخوی اعلام استقلال رهبر جدایی‌طلبان کاتالونیا را رد کرد. در اروپای شرقی تردیدها نسبت به پروژه اروپا رو به افزایش بود. دولت‌های لهستان و مجارستان در حال بحث و جدل با کمیسیون اروپا درباره حقوق مدنی و محدودیت‌های رسانه‌ای بودند. کشورهای حوزه بالتیک نگران امنیت بودند و ناتو نیروهای خود را در مناطق مرزی این کشورها مستقر کرد. به‌طورکلی به اروپا، اهداف روسیه تحت رهبری پوتین به نظر بیش از پیش زیان‌بخش بود. مسکو متهم شد به استفاده از حملات سایبری، دادن اطلاعات غلط، دست‌کاری رسانه‌های اجتماعی و دیگر «اقدامات فعال» برای تضعیف و بی‌ثباتی همه دموکراسی‌های غربی و نفوذ ایالات‌متحده.

در بریتانیا، تیرا می در سخنرانی ماه نوامبر خود در حمله‌ای بی‌سابقه به پوتین اذعان کرد که پوتین از «اطلاعات به‌مثابه سلاح» استفاده می‌کند. او گفت: «روسیه، ما می‌دانیم چه کار می‌کنی». در پایان سال بریتانیا تحت فشار قرار گرفت تا درباره ادعاهایی مبنی بر تأثیر پول، توروال و روبات‌های اینترنتی روسیه بر نتیجه همه‌پرسی سال ۲۰۱۶ خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا تحقیق کند. در خود روسیه، دولت ارعاب سیاست‌مداران مستقل مخالف و رسانه‌ها را در آستانه انتخابات مارس ۲۰۱۸ و انتخاب مجدد پوتین تشدید کرد.

اروپا با توجه به آشفتگی‌های داخلی‌اش توجه کمتری به بحران‌های ناشی از حملات هوایی ایالات‌متحده و افغانستان ۴۳ درصد افزایش یافت. طالبان مسئول دوسوم کشتارهای کلی بود مهاجران از سوریه و شمال آفریقا کاهش یافت که بیشتر به دلیل اقدامات بحث‌برانگیز مورد حمایت اتحادیه اروپا در نگه‌داشتن مهاجران در اردوگاه‌های لیبی بود. اما پیش‌بینی‌هایی بود مبنی بر اینکه در سال ۲۰۱۸ موج بزرگ دیگری بهراه می‌افتد.

ترامپ تنور را داغ‌تر کرد، و با به‌رسمیت‌شناختن شهر مورد مناقشه اورشلیم به‌عنوان پایتخت اسرائیل و اعلام برنامه‌اش برای انتقال سفارت ایالات‌متحده از تل‌آویو به اورشلیم، فلسطینی‌ها را خشمگین کرد.

او همچنین در سخنرانی ستیزه‌جویانه‌اش در سازمان ملل متحد، تهدید کرد که توافق هسته‌ای با تهران را از بین می‌برد. برداشتن گام‌هایی محکم برای به‌چالش‌کشیدن سیاست‌های منطقه‌ای ایران به عربستان‌سعودی تحت رهبری شاهزاده سلمان واگذار شده بود. اما مداخله نظامی تحت رهبری عربستان‌سعودی در یمن، سودان جنوبی را بیش از پیش ویران کرد و یمن هم رنجی مشابه و اجتناب‌ناپذیر را تجربه کرد. در میانمار، کمپین تحت رهبری ارتش برای پاک‌سازی قومی به آوارگی شمار عظیمی از مسلمانان روهینگیایی منجر شد که به بنگلادش پناه بردند. رنج‌های ناشی از این سرکوب‌ها انتقادهای شدیدی را متوجه آنک‌سان سوچی، رهبر مردمی میانمار و برنده جایزه صلح نوبل کرد.

چشم‌اندازهای امید و بهبود بسیاری هم در کار بود. در ماه جولای، ۱۲۲ کشور در سازمان ملل از معاهده جدید جلوگیری از هسته‌ای تحدید کردند. در ماه نوامبر، داداش بن‌سلمان لاهه پرونده «رانکو مالادیچ» فرمانده ارتش جمهوری صرب بوسنی در طول جنگ بوسنی و هرزگوین را به حبس ابد محکوم کرد.

منبع: گاردین

فرازوفرودهای جهان دریک سالی که گذشت

ترامپ با خاورمیانه چه کرد

مردانی که ماه‌ها درگیر جنگ بودند، پرچم‌به‌دست برای گرفتن عکس یادگاری در منطقه صفر مرزی عراق و سوریه زمستان مختلف را امتحان می‌کنند. این یک دورهمی معمولی نیست، جشن پیروزی در نبردی تمام‌عیار است. پس از سال‌ها جنگ، دمشق منطقه‌ای ایران نتوانسته‌اند که از نقاط گوناگون عراق و سوریه (سرزمین مادر) خود را جمع کنند.

برای دشمنان ایران، این دیدار تعبیر بدترین کابوس‌های شانه‌شان است؛ زیرا این پیروزی به دوستان و متحدان تهران اطمینان می‌دهد که کنترل بخش‌های شمالی جهان عرب از مرز ایران تا دریای مدیترانه در دست ایرانی‌هاست. این نشست که فیلم‌هایش به شکل‌های مختلف، از سوی رسانه‌های نزدیک به حزب‌الله لبنان منتشر شد، لحظه تعیین‌کننده‌ای در سال ۲۰۱۷ میلادی بود؛ واقعه‌ای که نشان‌دهنده تجدید حیات ایران و شکست سیاست خارجی ایالات‌متحده در خاورمیانه بود. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا که حتی پیش از ورود به کاخ سفید زمینه مقابله با نفوذ ایران و قدرت‌گرفتن تهران در خاورمیانه را داشت، سهوا باعث قدرت‌گرفتن ایرانی‌ها شده است.

دونالد ترامپ وعده داده بود که شکست داعش اولویت او در منطقه خواهد بود و رسیدن به این هدف برای آمریکایی‌ها بسیار حیاتی است. اما در روای این اولویت، سیاست‌های آمریکا در خاورمیانه مظهرهای از تصمیم‌های خلق‌الساعه و متناقض است که توانسته حیرت همکاران را برانگیزد؛ سیاست‌های عجیبی که باعث شده تا متحدان ایالات‌متحده از آن فاصله بگیرند و دشمنانش نیز دست بالا را بگیرند.

بحران بیت‌المقدس

در ماه دسامبر شاهد تازه‌ترین سیاست‌های خلق‌الساعه کاخ سفید بودیم؛ وقتی که دونالد ترامپ بیت‌المقدس (اورشلیم) را به‌عنوان پایتخت اسرائیل به‌رسمیت شناخت و آشکارا توصیه متحدان عرب خود، از جمله عربستان‌سعودی و اردن، مبنی‌بر خودداری از چنین اقدامی را رد کرد.

اعتراض‌ها و تظاهرات علیه تصمیم ترامپ در اقصی‌نقاط جهان، به‌ویژه جهان عرب، شاید بعد از مدتی فروکش کند اما تأثیر جدی اقدامی بر آرایش سیاسی منطقه‌ای نخواهد شود، به‌ویژه اینکه مخالفان آمریکا در منطقه می‌توانند برای بهره‌برداری از چنین تصمیم شتابزده‌ای فرصت‌های خوبی روی آن داشته باشند. فقط یک هفته پس از اعلام به‌رسمیت‌شناختن بیت‌المقدس به‌عنوان پایتخت اسرائیل، رهبران کشورهای اسلامی در نشست اضطراری خود در استانبول اعلام کردند که تصمیم پوچ ترامپ نشان داد که ایالات‌متحده نمی‌تواند در روند صلح خاورمیانه نقش یک میانجی صادق را داشته باشد.

محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین، هم گفت: «آمریکا تصمیم گرفته تا از نفوذ خود برای تأمین منافع اسرائیلی‌ها استفاده کند. بنابراین دیگر صلاحیت میانجیگری در مذاکرات صلح را ندارد و ما نباید تلاش برای مذاکرات دور از میانجیگری بپذیریم. آمریکایی‌ها باید کردند که فقط به‌دنبال تأمین منافع طرف اسرائیلی هستند.»

این همان مصیبت عباسی است که اواخر ماه می در کاخ سفید در کنار دونالد ترامپ ایستاد و گفت که فلسطینی‌ها با وجود ترامپ به صلح امیدوارتر شده‌اند! اما این فقط نمایی بود که نقش بالات در مذاکرات اسرائیل و فلسطین را رد کرد؛ گروه بزرگی از بازیگران مهم منطقه‌ای از رجب‌طیب اردوغان، رئیس‌جمهوری ترکیه گرفته تا حسن روحانی، رئیس‌جمهوری ایران؛ ملک‌عبدالله، پادشاه اردن و تمیم بن آل‌ثانی، امیر قطر نیز با عباس هم‌صدا شدند.

در پس سیاست‌های غیرمتعارف آمریکا جوانی جوان ۳۶ ساله است؛ جرد کوشنر، داماد ترامپ که مسئولیت تدوین و اجرای سیاست‌های ایالات متحده در خاورمیانه را برعهده دارد؛ کسی که نمی‌تواند در مناقشه خاورمیانه بی‌طرف باشد، زیرا مدیریت صندوق تأمین بودجه شهرک‌سازی در سرزمین‌های اشغالی را برعهده داشته و فقط در یک مورد، هزینه ساخت صد واحد مسکونی در این شهرک‌ها را پرداخت کرده است؛ ساخت‌وسازهایی که براساس قوانین بین‌المللی غیرقانونی است.

درعین‌حال، بسیاری از پرسش‌های کلیدی دیپلماتیک ایالات‌متحده در خاورمیانه خالی هستند. درحال‌حاضر، هشت سفارت ایالات متحده در منطقه، از جمله مصر، ترکیه، اردن و عربستان‌سعودی سفیر ندارند. این در شرایطی است که وزارت خارجه آمریکا تحت رهبری متزلزل رکس تیلرسون بسیار تضعیف شده و حال و روز خوشی ندارد. دولت ترامپ نه‌تنها علاقه‌ای به پرکردن این پست‌های خالی ندارد که توصیه‌های دیپلمات‌های باتجربه و کاربلد را هم نادیده می‌گیرد. تصمیم ترامپ درباره بیت‌المقدس کاملا مؤید این حقیقت است که دولت او برای توصیه‌های دیپلماتیک هیچ ارزشی قائل نیست. می‌شود گفت که امروز در واشنگتن و همه بخش‌های دولت آمریکا این بی‌تجربه‌ها هستند که فرمان اداره امور را در دست دارند، پس باید کمربندها را محکم بست.

مردان ترامپ در خاورمیانه

نزدیک‌ترین متحد عرب ترامپ در این دوره برادرشوب، یک جوان ۳۲ ساله از خاندان سعودی است؛ محمد بن‌سلمان که به‌دنبال اصلاحات شتابزده در داخل شرایط چندان باثباتی هم ندارد. باور عمومی این است که این شاهزاده جاه‌طلب مسئول جنگ فاجعه‌بار عربستان‌سعودی در یمن، تحریم‌های بی‌اثر قطر، استعفای عجیب و غریب سعد حریری هم بازداشت صبح‌الصری نخست‌وزیر لبنان و این آخری هم بازداشت صبح‌الصری بانکدار میلیاردر و قدرتمند اردنی - فلسطینی است که از حامیان مالی مهم دولت اردن بوده و سرمایه‌گذاری‌های زیادی در سرزمین‌های فلسطینی داشته است. تمام این اقدامات محمد بن‌سلمان نه‌تنها موفقیتی در پی نداشته و بازیگران مهم منطقه‌ای را به جبهه مخالف سعودی‌ها سوق نداده بلکه باعث ایجاد احساسات ضدسعودی در سراسر منطقه شده است.

این در حالی است که آمریکا با فشار عربستان‌سعودی و اسرائیل به دنبال متحدانی در منطقه برای مقابله با قدرت روزافزون ایران است، آن هم در شرایطی که سال‌ها تحریم و انزوای دیپلماتیک از نفوذ رو به رشد منطقه‌ای ایران نکاسته است و قطعا کشورهایی که خود در اثر کار نخواهند داشت.

تقویت موقعیت روسیه در خاورمیانه

در این حال، تقویت موقعیت و نفوذ ایران، با حضور مقتدرانه روسیه در خاورمیانه همراه شده است. ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهوری روسیه، سپتامبر ۲۰۱۵ میلادی با حملات هوایی و زمینی علیه مخالفان دولت سوریه در کنار ایران و عراق و حزب‌الله به کمک بشار اسد آمد. پوتین در دسامبر ۲۰۱۷ در دیدار اعلام‌نشده از پایگاه هوایی روسیه در حمیمیم شرق سوریه اعلام کرد که با پایان جنگ بخشی از نیروهای روسی به‌زودی از سوریه خارج خواهند شد.

در همین حال روسیه بهبود و ترمیم روابطش با ترکیه به‌عنوان یکی از اعضای ناتو را ادامه داده است. مسکو و آنکارا مهم‌ترین حامیان گفت‌وگوهای صلح سوریه در آستانه قزاقستان بوده‌اند، جایی که آمریکا یک فوتبال سامانه موشکی S400 روسیه به ترکیه را امضا کردند. حتی اینجا هم حضور قدرتمند روسیه به‌دلیل ضعف دیپلماتیک آمریکا بوده است. حمایت آمریکا از نیروهای کرد در مبارزه با داعش روابط واشنگتن - آنکارا را به شدت متشنج کرده است. ترکیه مدعی است کردهای سوریه بخشی از نیروهای پ‌ک‌ک هستند که از سال ۱۹۸۴ میلادی جنگ‌های جدایی‌طلبانه را علیه ترکیه به راه انداخته‌اند.

درغلبندن از بحران به بحران دیگر

اگر بخواهیم منصفانه قضاوت کنیم، سردرگمی در سیاست خاورمیانه آمریکا، بدیده جدیدی نیست. باراک اوباما رئیس‌جمهوری پیشین ایالات متحده هم با ترسیم یک خط قرمز فرضی برای دولت سوریه گفته بود درصورتی‌که دمشق در برخورد با مخالفانش از تسلیحات شیمیایی استفاده کند، دست به اقدام جدی خواهد زد. اما زمانی که در اکتوبر ۲۰۱۳ میلادی گزارشی‌هایی مبنی بر استفاده از تسلیحات شیمیایی در مناطق تحت کنترل مخالفان سوریه منتشر شد، خط قرمزهای تعریف‌شده هم به وادی فراموشی سپرده شدند و ایالات متحده هیچ‌گاه نتوانست در برابر این مسئله واکنشی جدی داشته باشد. دولت اوباما گرچه با ارسال تسلیحات برای مخالفان بشار اسد تلاش کرد کارنامه خود را قابل‌قبول نشان دهد اما بسیاری از مخالفان دولت اوباما بسر این باور بودند که اقدامات او در سوریه هرگز کافی نبوده و همین مسئله باعث ش